

وای بر ما اگر دوباره فریب شریع قاضی را بخوریم!

ابن زیاد با شنیدن خبر برآشفست و فریاد

شُریح به دیدار هانی رفت و هانی را مجروح و خون آلود دید. هانی فریاد بر آورد: آی مسلمانان! آیای مردمان من مرده‌اند؟! پس دین‌داران قبیله من کجا رفته‌اند؟! یاران را چه افتاده است؟! آیای آن‌ها مرا در چنگال دشمن خودشان و پسر دشمنشان رها می‌سازند؟! در همین حال هانی فریاد مذححیان در بیرون

شریح دروغ نگفته بود! اما تمام حقیقت را هم نگفته بود. حقیقت را به رنگی در آورد که خواست عیدالله بود. شرح ترسید و دنیای خود را بر دینش ترجیح داد. شاید شرح مصلحت نمی دانست مردم کوفه از جزئیات اتفاقات میان هانی و عیدالله با خبر باشند، اما شرح نفهمیده بود که بر قلای تاریخ ایستاده است و اوست که می تواند عاقبت این پیچ تاریخی عالم را تغییر دهد. شرح می توانست با چند کلمه تاریخ را عوض کند و حسین را به مسلخ نفرستد و زمینه ی حکومت حسین را فراهم کند. وای بر ما اگر شرح قاضی باشیم و وای بر ما اگر دوباره فریب شرح قاضی را بخوریم! چقدر درس دارد محرم حسین برای امروز ما. فتاُمُ!

لطفاً دعا، قرائت سوره حمد و ذکر صلوات
جهت سلامتی و شفای خادمان هیأت میثاق با شهدا فراموش نشود



«شَرِیح قاضی» یک حقوقدان بود

داستان مذاکرات شما با غربی‌ها،
نه تنها شباهتی به گفتگوی سیدالشهدا
(ع) با عمر سعد ندارد،
بلکه شباهتی تام به مذاکرات شریح
قاضی با ابن زیاد پیدا کرده است.

چند روز پیش یکی از مسئولین سطح بالای نظام، در یک نطق بسیار عجیب ادعا کرد که کربلا درس «مذاکره با دشمن» را به ما می‌آموزد. در تمام طول تاریخ، قیام عاشورا به شیعیان و آزادگان جهان درس قیام و مبارزه با ظلم در اوج تحریم و فشار و تا پای جان را می‌داد؛ اما برای اولین بار کسی پیدا شد که به جای قیام و مبارزه‌جویی از این قیام الهی، درس مذاکره گرفت! در تمام طول تاریخ تشیع، شعار «یا حسین(ع)» رمز شروع عملیات علیه ظلم و ستم محسوب می‌شد و از این پس باید با گفتن «یا حسین(ع)» سلاح‌ها را بر زمین گذاشته و مذاکره کنیم! قیام عاشورا در تمام طول تاریخ، موتور محرک قیام‌های ظلم‌ستیز و به جوش آورنده خون شیعیان در راستای بذل جان در مسیر آرمان‌ها محسوب می‌شده و این‌که ایشان با مغالطه به این تحریف در فهم پیام عاشورا دست زده‌اند،

خیانتی تاریخی به شیعه کرده و روح قیام را در آن به قتلگاه برده است. قطعاً در کربلا گفتگوهای رخ داده، اما اینکه آن مسئول محترم خود را در موضع امام حسین(ع) فرض کند بسیار مضحک و مایه بسی تأسف است. آقای مسئول! تمام مشکل در این جاست که شما می‌خواهید رسوایی شکست مفتضحانه در مذاکرات را به بهای تحریف قیام عاشورا توجیه کنید. تمام مشکل در این جاست که شما طرف مقابل را عمر سعد نمی‌دانید و او را فردی «مودب و باهوش» می‌شمارید. تمام مشکل شما در این جاست که برخلاف حسین ابن علی (ع) حاضر به فداکردن جان خویش در راه اسلام نیستید و اگر بودید در هشت سال جنگ، هشت روز سلاح به دست گرفته و با دشمن می‌جنگیدید نه اینکه در همان زمان هم گروه عقلا راه بیندازید و از پشت به رزمندگان اسلام خنجر بزنید. داستان مذاکرات شما با غربی‌ها، نه تنها شباهتی به گفتگوی سیدالشهدا (ع) با عمر سعد ندارد، بلکه شباهتی تام به مذاکرات شریح قاضی با ابن زیاد پیدا کرده است. به شباهت‌ها توجه کنید: شریح، قاضی بود و می‌دانید که قاضی، «حقوق‌دان» است. شریح، در کاخ ابن زیاد مشاهده کرد که

هانی ابن عروه را مضروب کرده‌اند و قصد کشتن او را دارند، اما هرگز حاضر نشد محتوای جلسه خود را با مردمی که در جهت دفاع از او به میدان آمده بودند در میان بگذارد و از آنان خواست که بدون دسترسی به متن مذاکرات، به سخن او اعتماد کنند. شریح، مومنین و متدینینی که به فرمان مسلم ابن عقیل در دفاع از هانی تجمع کرده بودند را «احمق» (= بی‌سواد) خطاب کرد. شریح، اهل تجمل و نشست و برخاست با اشراف و ثروتمندان بود. آقای مسئول! آیا حقیقتاً بین خود و امام حسین (ع) شباهت بیشتری می‌بینید یا شریح قاضی؟! آقای رئیس! آیا بهتر نیست به جای تحریف قیام عاشورا و خیانت به تاریخ شیعه و روح قیام در قلوب شیعیان، از مَرکب تکبر و تبختر پیاده شده و اشتباهتان در مذاکره و اعتماد به شیطان بزرگ را بپذیرید؟ آیا این حکومت چند روزه دنیوی آن قدر در دهان شما مزه کرده که حاضرید برای نگه داشتن آن حتی به قیام اباعبدالله (ع) هم خیانت کرده و آن را تحریف کنید؟ آیا فکر نمی‌کنید تحریف پیام قیام اباعبدالله (ع) می‌تواند برای همیشه تاریخ، شیعه را زمین‌گیر و ناتوان از قیام کند؟

السَّالِمُ عَلَى ابْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَهْلِ الْحُسَيْنِ السَّالِمُ عَلَى ابْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَهْلِ الْحُسَيْنِ السَّالِمُ عَلَى ابْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَهْلِ الْحُسَيْنِ

عاشورا تکرار شدنی است (۳)

حسین علیه السلام، کشته‌ی بی‌عدالتی!

به دو طبقه قدرتمند و ضعیف، ثروتمند و فقیر و در واقع به مستکبر و مستضعف تقسیم شد، آن‌گاه نفس قدسی امام حسین(ع) در کوفیان تأثیر نمی‌کند و خود حضرت دلیل آن را پر شدن شکم‌هایشان از حرام می‌دانند.

وقتی که گروهی در ثروت خود غوطه بخورند و خود را مستغنی از خدا بدانند، با تأکیدی که در قرآن یافت می‌شود، قطعاً طغیان می‌کنند و از طرفی هم فقر فاصله‌چندانی با کفر ندارد. پس می‌بینیم آن چه که باید اصلاح شود تا بتواند فرهنگ جامعه را در جهت توحید قرار دهد، نسبت میان طبقات جامعه است. البته این مهم نیازمند آن است که با فرهنگ سازی به صورت مطالبه‌ای در میان مردم نهادینه شود. عدالت در عرصه اقتصاد برای ما اولیت دارد، نه اولویت. در واقع آن چه که برای ما هدف است، فرهنگ جامعه است. ولی تحقق اصلاح کامل فرهنگ جامعه وابسته به اصلاح سخت‌افزارهای اقتصادی است. البته، این باری را از روی دوش ما برنمی‌دارد و آن را سنگین‌تر می‌کند. اگر ساختارها هنوز اصلاح نشده‌اند ما یادمان باشد که همچون زیرها در این ساختارها هضم نشویم و حداقل در بعد فردی سبک زندگی خود را اصلاح کنیم.

بی‌عدالتی در جامعه نبوی گذاشته شد. کم‌کم حکومت برای جذب بزرگان به سمت خود، درآمد بیشتری از بیت‌المال به آن‌ها می‌پرداخت و در واقع ایشان را بنده‌ی دنیا می‌کرد. این‌گونه بود که زیرها تغییر کردند، طلحه‌ها زمین‌دار شدند و سعدبن ابی وقاص‌ها خائن به بیت المال؛ کم‌کم ظهور مفاسد اقتصادی در خواص باعث سرکوب عدالتخواهی و رواج بی‌عدالتی در مردم شد.

اسلام با کاخ نشینی مخالف نیست، با خوی کاخ

وقتی که جامعه به دو طبقه‌ی قدرتمند و ضعیف،
ثروتمند و فقیر تقسیم شد،
آن‌گاه نفس قدسی امام حسین(ع) در کوفیان
تأثیر نمی‌کند و خود حضرت دلیل آن را پر شدن
شکم‌هایشان از حرام می‌دانند.

نشینی مخالف است ولی کاخ نشینی خوی خود را هم به همراه دارد. خداوند می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْفَاءً أُنْزِلَتْ رُءُوءَهُ اسْتَغْنَى» (۶ و ۷ علق) و از طرفی هم حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کافی، ج ۲، ص ۳۰۷) یعنی وقتی که جامعه

فقط پنجاه سال طول کشید تا یاران و شاگردان مکتب پیامبر (ص) آن‌چنان تغییر کنند که یزید را به حسین (ع) ترجیح دهند و او را به قتل برسانند. علت، تغییر در چهار رکنی بود که پیامبر جامعه اسلامی را بر اساس آن بنا نهاده بود: «معرفت»، «عبودیت»، «عدالت» و «محبت».

عدالت مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند به تحقق بندگی مردم در یک جامعه کمک کند. بنابراین هیچ موضوع پراهمیت دیگری نمی‌تواند و نباید از اجرای عدالت در جامعه جلوگیری کند. مصداق این عدالت‌محوری را در صدر اسلام می‌توان یافت.

عدالت در محوری‌ترین شعارهای پیامبر اسلام (ص) که تبلیغ خود را با آن‌ها شروع کردند، موج می‌زند. ایشان از همان ابتدا با اشرافی‌گری و دیگر مظاهر بی‌عدالتی به مقابله پرداختند. در اواخر عمر با برکتشان کار به جایی رسیده بود که به وضوح عدالت را می‌شد مشاهده کرد. شاید مهم‌ترین شاخصه در این جهت، آزادی دستگاه قضا در تصمیم‌گیری باشد که با رجوع به تاریخ می‌توان دریافت در هیچ برهه‌ای از آن، مانند زمان پیامبر (ص) و حضرت امیر (ع)، عدالت اینچنین در این دستگاه جاری نگشته است. بعد از رحلت پیامبر (ص) زمانی که خلافت را از شخصی که استحقاق داشت غصب کردند، نطفه‌ی



خوب است ولی باید ببینیم که در بستر امتحان چه کار می‌کنی. تمام معارف ما در بستر امتحان باید خودشان را نشان دهند.

– بحث بعدی هدف از امتحان است: امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی قاصعه‌ی نهج البلاغه می‌فرماید: «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَيَعْبُدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَيَتْلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجًا لِلتَّكْبَرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ» حضرت می‌فرماید که این همه امتحانات دائمی و سخت برای خارج کردن تکبر از قلب انسان است.

گاهی برای این که امتحانات آسان شود سری به هدف بزنید. هر موقع دیدید امتحان سخت است و دیگر سر در نمی‌آورد، امتحان را دور بزنید و یک سر به هدف از امتحان بزنید و بروید سر سجاده‌ی نماز و سرتان را بر هدف امتحان بگذارید و بگویید خدایا من خم شده‌ام در درگاه تو. تواضع و فروتنی کنید در برابر او. وقتی برمی‌گردید می‌بینید امتحان آسان شد. بگویید خدایا تو این امتحانات را داری برای من در نظر می‌گیری تا به تواضع برسم. خب من رسیدم. می‌خواستی به این جا برسم دیگر؟ خب من رسیدم.

حالا این بحث‌ها به محرم چه ربطی دارد؟
بزرگ‌ترین امتحان اجتماعی خدا روی زمین کربلا بود. کربلا یعنی امتحان. امتحان اولیای خدا در اوج. خداوند هیچ ولی‌ای از اولیای خودش را به اندازۀ ای امام حسین علیه‌السلام امتحان نکرد.

بحث در سال قبل این بود که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در مقدرات الهی عامل «امتحان» است. ما در بستر امتحان زندگی می‌کنیم و باید آن را بیشتر بشناسیم و بدانیم که همه چیز امتحان است و اصلاً امتحانی زندگی می‌کنیم؛ الذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ ... {الملك/۲}، اصلاً مرگ و زندگی برای امتحان گرفتن از شما آفریده شده است. هیچ مفهومی خارج از امتحان، حقیقت مُجْزَآیی ندارد. ما در ۲۴ ساعت روز درگیر موضوع مقدرات الهی هستیم ولی آن را درک نمی‌کنیم مانند ماهی‌ای که در آب است ولی آن را نمی‌بیند. امسال می‌خواهیم بررسی کنیم که خداوند چگونه از ما امتحان می‌گیرد. ابتدا چند بحث مقدماتی در باب جگونگی امتحانات الهی عرض کنم.

- یک بحث این است که خداوند یک موقع یک فرد را امتحان می‌کند و یک موقع یک ملت و جامعه را امتحان می‌کند. هر دو را باید دید.

- بحث بعدی این که سخن گفتن از امتحان سخن گفتن از احکام الهی نیست بلکه سخن گفتن از بستر تلفیق دستورات خدا و رفتارهای انسان است. احکام الهی خارج از امتحان برای تو چه سودی دارد؟ باید‌ها و نباید‌ها، آن زمان که در ظرف امتحان به تو متصل می‌شوند و از تو رفتار خاصی را می‌خواهند معنای خودشان را پیدا می‌کنند. سخن گفتن از امتحان، سخن گفتن از حیات‌شناسی است. ما باید زندگی و حیات را بشناسیم؛ چرا که در بستر زندگی قرار است امتحان پس دهیم. صبر

السَّالِمَةُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى آلِهِ الْحَسَنِ وَالسَّالِمَةُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى آلِهِ الْحَسَنِ وَالسَّالِمَةُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى آلِهِ الْحَسَنِ

واجب
فراموش
شده ۲

شبیهه: امر به معروف تو این دوره
و زمینه، اثر نداره!

- جواب: اثر یعنی چی؟ یعنی تا تذکر دادی، همون لحظه درست بشه؟ این توقع رو داری؟؟؟ این توقع بی جاست! اثر یعنی هر کی با تذکرش، یک درصد تاثیر بذاره در ذهن گناهکار. وقتی ۵ نفر بهش بگن، ده نفر بگن، بالاخره درست میشه. سهم ما یک تذکره، که واجبیه.

سر سفره غذا، در شیشه‌ی آبلیمو باز
نمیشه؛ بی‌خیال میشیم؟ نه! میدیم

نفر بعدی امتحان کنه. نشد؛ بعدی!
بالاتر باز میشه.
مقام معظم رهبری: برخی گفته‌اند
باید احتمال اثر وجود داشته باشد.
من می‌گویم احتمال اثر همه‌جا
قطعی است.... بگویید تا آثارش را
بینند.

مگر قیام امام حسین (علیه السلام) اثر داشت؟ حضرت توانست حکومت یزید را نابود کند؟!... اثر فقط همان لحظه نیست... بسیای از اعمال دینی امروز ما از اثر قیام امام حسین (علیه السلام) است. بیداری اسلامی، بقای اسلام و... این ها همه اثر است. اما راحل (ره) می فرمایند حتی اگر یک درصد تأثیر داشته باشد، واجب است بگوید.

حتی در جایی که معروف و منکر دارد جا بجا می‌شود (ارزش و ضد ارزش) امام (ره) می‌فرمایند اصلاً نباید به فکر اثر باشید. بگویید! ضمناً ما مکلفیم به انجام وظیفه... نه نتیجه! نتیجه و تأثیر هم فقط اصلاح در لحظه نیست.

انگیزه ی بیشتر!

راوی خاطرہ: خانم

طبقه دوم دانشکده، بخش اداری،
دنبال اتفاقی بودم که پیداش نمی کردم!
از خانمی که از روبروم میومد پرسیدم
و راهنمای کرد.

بعد از تشکر و جدا شدن، احساس کردم طرف چهره‌اش آشنا بود...

برگشتم دیدم همون بنده حداییه که
یه بار تو دانشکده، به خاطر آستین
کوتاه مانتوش، از در خواهری صحبت
کرده بودیم...

آستین مانتوش کوتاه بود ولی این
 بار یه ساق مشکی هم دستش کرده
 بود...

بعد از مدتی که از این تجربه می‌گذشت، تأثیر این معجزه اسلام رو به چشم دیدم. قطعاً بعد از امر و نهی، دنبال دیدن نتیجه عمل نیستیم؛ چرا که ما مأمور به تکلیفیم و نه نتیجه... ولی لطف خدا بود دیدن این صحنه، برای انگیزه بیشتر گرفت...

شاید خیلی پیش پا افتاده بوده باشه ولی بازگو کردنش یو مفید دیدم برای عزیزى که به توهم تأثیر نداشتن، هنوز به اقامه کردن این واجب اهتمام نکرده ...



منبع:

خمس ☒

جہاد ☒

روزه ☒

☒ نهی از منکر

نماز ☒

زکات ☒

حج ☒

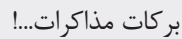
✗ امر به معروف

أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ

آیا به برخی از کتاب ایمان می‌آورید و به برخی دیگر کافر می‌شوید؟!

سوره مبارکه بقره آیه ۸۵

«محرم و عاشورا مختص مسلمانان شیعه نیست. حسین(ع) متعلق به همه انسان‌های آزاده و عدالت جوست.» این جمله را وارطانیان کشیش یکی از کلیساهای تهران می‌گوید...



A silver Maserati GranTurismo is parked on a street. The car is a convertible with its top down, featuring a distinctive front grille with the Maserati trident logo and sleek, elongated headlights. It has black multi-spoke wheels. In the background, a white car is partially visible, and a dark brick wall is on the left.

A black and white photograph of a man with a weathered face, wearing a mask that covers his mouth and lower face. He is making a peace sign with his right hand.



وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا
(سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۳۷)

در زمین از سر کبر و غرور گام بردار،
چرا که به نیروی خود زمین را نتوانی
شکافت و به سربلندی به کوه‌ها نخواهی
رسید.

و لقمان حکیم به فرزندش گفت:
وَلَا تَصْغُرْ خَذَكُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي
الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ
فَخُورٍ (سوره مبارکه لقمان، آیه شریفه ۱۸)

(پسر!) با بی‌اعتنایی از مردم روی
مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو، که
خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست
ندارد.

حضرت علی علیه السلام نیز در توصیف
اهل تقوا فرمودند:

... وَ مَشْيِهِمُ التَّوَّاضِعُ... (نهج البلاغه، خطبه
۱۹۳)

از جمله صفات برجسته پرهیزکاران این
است که راه رفتن آنان از روی تواضع و
فروتنی است...



بندگان خداوند رحمان آن‌ها هستند
که آرام و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند،
و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب
سازند به آن‌ها سلام می‌گویند و با
اعتنای و بزرگواری می‌گذرند.

نخستین صفتی که خدای متعال بندگان خاص خود را به آن توصیف می‌کند، آرامی و وقار در راه رفتن و نداشتن ژست غرورآمیز است، زیرا شیوه‌ی راه رفتن حاکی از خصلت‌های درونی انسان است. برخی از افراد چندان متکبر و مغرورند که از شیوه راه رفتن آن‌ها به خوبی می‌توان به غرور و نخوتشان پی برد. از این رو خدای متعال در جای دیگر از قرآن مجید راه رفتن از روی تکبر را با فلسفه خاصی نهی کرده و می‌فرماید:

تواضع یکی از آداب و سنن و از ویژگی‌ها و خصوصیات انسان متخلق به اخلاق نیکوست. دین مقدس اسلام در این باره تاکید زیادی دارد که اینک به بیان برخی از آیات و روایات مربوط به این موضوع می‌پردازیم:

خدای متعال در آنجا که صفات و ویژگی‌های بندگان خاص خود را بر می‌شمارد یکی از آن امتیازات را تواضع می‌داند و می‌فرماید:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

(سوره مبارکه فرقان، آیه شریفه ۶۳)

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

تحریر: عبدالحمید بیات، سید جواد یوسفی، علی خورشیدی، محمد اصغری، محمد قائمی راد، نوید رضایی / **طراحی:** گروه طراحان هیأت مثاق با شهدا

www.basijisu.com پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام
hayat.basijisu.com پایگاه اطلاع رسانی نشریه حیات
hayatmag.isu@gmail.com رایانامه نشریه حیات
misaq.basijisu.com پایگاه اطلاع رسانی هیئت میثاق با شهدا
plus.google.com/beitragmisaqbashohada گوگل پلاس
instagram.com/misaqbashohada# اینستاگرام